

ضرورت ایجاد تشکل های مستقل کارگری در ایران

فرشید شکری

هجدهم آبان ماه هشتاد و پنج

سال هاست کوشندگان کارگری داخل و خارج از کشور تلاش بی وقفه ای را جهت دستیابی کارگران به تشکل های مستقل و سراسری خود آغاز کرده اند. این حرکت اساسا کوششی همه جانبه به منظور فائق آمدن و غلبه بر یکی از عمده ترین نقاط ضعف جنبش کارگری ایران است. چنین تقلائی آنهم تحت شرایطی که سرکوب و اختناق سیاسی فضای تنفس کشیدن را از جامعه سلب نموده بسیار گرانبها و قابل تقدیر می باشد.

تردیدی نیست این فعالیت های خستگی ناپذیر از جانب فعالین علنی در کمیته پیگیری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، اتحاد کمیته های کارگری و... نیز فعالین خارج از کشور در آینده ای نه چندان دور به بار خواهد نشست.

معهدا توأم با این فعالیت بایستی روشن ساخت کدام تشکل توانائی پاسخگوئی به کل مطالبات طبقه کارگر را دارد و یا عبارت بهتر مختصات يك تشکل واقعی چیست؟ غرض از طرح این پرسش به هیچ وجه جدل بر سر يك شکل خاص از سازمانیابی و رد اشکال دیگر آن نیست، چون فقط کارگران مخیر به انتخاب نوع تشکل اند. « هرچند تجربه نشان داده که شکل شورائی آن بدلیل حاکمیت اراده جمعی کارگران کارآمدترین و بی بدیل ترین شکل سازمانیابیست». مقصود از پیش کشیدن سؤال فوق اصولا بیان محتوا و سپس تأکید بر متشکل شدن در نهادیست که در خدمت منافع طبقاتی کارگران قرار دارد و نه سپری برای پاسداری کردن و حراست از منافع طبقه سرمایه دار و یا ابزاری به هدف ایجاد موازنه و تعادل میان کارگران و کارفرمایان.

در چنین هنگامه ای وقتی مشاهده می کنیم کارگران ایران مجدانه در فکر تشکل یابی هستند، نباید گذاشت گرایشات بورژوازی و خرده بورژوازی درون جنبش فرصت طلبانه از آن سود ببرند. تعریف محتوا و تفکیک يك تشکل واقعی از اقسام غیر واقعی آن در این مقطع از نان شب واجب تر است و غفلت از این امر بس مهم درحقیقت واگذاری میدان مبارزه به سندیکالیست ها و رفرمیست هاست.

شرکت هرچه بیشتر فعالین پیشرو و سوسیالیست در مجادلات و مباحث نظری حول سازمانیابی کارگران و توضیح نحوه پراتیک و عملکرد تشکل هائی که در دنیا مهر گرایشات غیر کارگری را بر پیشانی دارند و سعی در تعمیم این بحث ها و پلمیک ها بدرون توده کارگران و مستحضر نمودن آنان از صحت و سقم نظرات و افکار گرایشات گوناگون، باعث می شود تا کارگران ضمن تجزیه و تحلیل مباحث با چشمانی باز به سوی سازمانیابی در تشکل های طبقاتی خود گام بردارند.

اگر چه تاریخ جنبش کارگری ایران مملو از کشمکش های تئوریک است، منتهی در هیچ دوره ای به اندازه این دوره بستر و زمینه مناسبی برای کمک به تعمیق آگاهی طبقاتی از سوی روشنفکران کارگر و یا کارگران روشنفکر در

میان توده های هر چه وسیع تر طبقه کارگر مهیا نگردیده ، چنین استنباطی از دو فاکتور پایه ای اولاً رشد سطح سواد در میان طبقه و ثانیاً گسترش وسائل ارتباط جمعی سرچشمه می گیرد. اکثریت نسل جدید طبقه کارگر ایران چه شاغل و چه بیکار دارای مدارک پایان دوران متوسطه و يك سوم این نسل دارای تحصیلات عالی اند . همچنین امکان استفاده از رایانه، اینترنت و سایر وسائل ارتباطی در کنار عامل كمك کننده نخست این فرصت را به فعالین درون و برون از مرز بخشیده تا با بخش قابل ملاحظه ای از کارگران مراد فکری داشته باشند و ایشان را در جریان دیدگاه های خویش بگذارند. بذل توجه بدین دو عامل لزوم کار روشنگرانه را در رابطه با مسئله سازمانیابی بیش از پیش در صدر تکالیف خطیر فعالین عملی و فکری گرایش سوسیالیستی جنبش کارگری قرار می دهد.

متشکل شدن کارگران برای پیشرفت در امر مبارزه طبقاتی هر چقدر با اهمیت باشد موضوع محتوای تشکل هم بهمان اندازه اهمیت دارد. امروزه تعداد بیشماری تشکل های کارگری با نام ها و اسامی مختلف در اروپا، آمریکا و نقاط دیگر جهان موجوداند، اما رهبری این تشکل ها با سرمایه داران و کارفرمایان ممانعت کرده و اذهان کارگران را از مبارزه جدی و سرنوشت ساز علیه نظام سرمایه داری دور کرده اند و تا بحال در برابر موج عظیم تعرضات بورژوازی و دولت های آنها به معیشت طبقه کارگر واکنش کارساز و شایانی از خود نشان نداده اند. رهبری این اتحادیه های کارگری در موارد زیادی در مقابل خصوصی سازی ها، اخراج و بیکار سازی ها، استخدام کارگران قراردادهای موقت، به حداقل رساندن مزایای بیکاری، بازنشستگی و از کارافتادگی، ثابت نگاه داشتن سطح دستمزدها بدون توجه به رشد نرخ تورم ، حذف بیمه های درمانی ، قطع سوبسید و یارانه های دولتی از روی مایحتاج ضروری هم در ممالک امپریالیستی و هم در کشورهای موسوم به دولت رفاه قاطعانه قد علم نکرده اند و نیز در موارد متعددی از کارگران مهاجر در برابر دولت های دسته راستی و جریانات نئونازیست و راسیستی حمایت جدی سازمان نداده اند.

قدر به یقین مبارزات کارگران ایران برای دستیابی به تشکل های سراسری و توده ای خود از آنچه اینک در جریان است با نیروی اتحاد و همبستگی شدت مضاعف تری بخود می گیرد، کارفرمایان، رژیم فعلی و یا هر حکومت دیگری پس از جمهوری اسلامی ناچار خواهند گردید تا به این خواست گردن نهند.

اما اگر کارگران در تشکل هائی گردهم آیند که هدف نهائی در پیکار و مصاف با طبقه بورژوازی یعنی بزیر کشیدن سیادت این طبقه و بقدرت رسیدن طبقه کارگر با اصلاحات و رفرفرم هائی جزئی کمرنگ و یا دهه ها بتعویق افتد ، پیروزی تلقی می گردد ؟ مسلماً باید در این اوضاع اقتصادی بسیار اسفناک به استقبال هرگونه تغییری ولو اندک به نفع زندگی و معیشت طبقه مزدبگیر ایران رفت.

با این حال فراموش نکنیم هرگاه بورژوازی و دولت حامی آن اراده نمایند قادر به بازستانیدن تمامی دستاوردهای ما هستند. وانگهی چنانچه نهادها و تشکل های مورد نظر گرایش رفرفرمیستی و یا لیبرالی در ایران شکل بگیرند، آنگاه روسای این سازمان ها به همراه کارفرمایان با هزار مکر و حيله مانع معطوف شدن نگاه دوباره کارگران به افق و چشم انداز سوسیالیستی خواهند شد.

مگر رهبران مزدور تشکلهای زرد در اروپا و آمریکا تابحال به کمونیست ها مجال کار آگاه گرانه در میان کارگران عضو داده اند؟ اگر خلاف اینست پس چرا مبارزات کارگری در ممالک غرب کمتر و یا هیچ نتایج مطلوبی در پی

ندارد؟ این واقعیت تلخ ریشه در سیاست های مماشات آمیز و فعالیت های اغواگرانه و گمراه کننده توسط رهبریت این تشکل ها دارد. تأسف بارتر اینکه درصد بالائی از اعضای این تشکیلات ها کارفرمایان کشورشان را هموطن خطاب کرده و بسان برادر به ایشان می نگرند نه دشمنان طبقاتی! یکی از فاکتورهای پیروزی احزاب بورژوائی محافظه کار، میانه رو و یا سوسیال دموکرات ها در انتخابات مختلف ناشی از چنین رویکردی است.

با توجه به این واقعیات است که گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری باید هر چه بیشتر تلاش کند تا کارگران به نیروی آگاهی و مبارزه مستقیم خود بسوی تاسیس تشکل هائی حرکت کنند که ظرف مناسبی در راستای پیشروی امر مبارزه طبقاتی و فتح تمامی خاکریزها و سنگرهای بورژوازی باشند.

امروزه گرایش سوسیالیستی در درون جنبش کارگری کردستان از نفوذ و اعتبار تاریخی قابل اتکایی برخوردار است، این گرایش دارد لحظه به لحظه شمار بیشتری از کارگران و زحمتکشان را بسوی خویش متمایل می سازد و این خود نقطه قوتی برای جنبش کارگری و جنبش کمونیستی ایران محسوب میگردد. همکاری فعالین پیشرو و رادیکال سایر نقاط کشور با فعالین گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری کردستان نه تنها به تقویت هرچه بیشتر گرایش سوسیالیسم کارگری در سراسر ایران میانجامد بل موجبات سازمانیابی کارگران در تشکلهای مستقل و سراسری را آنهم با اندیشه و ماهیت سرمایه ستیزی فراهم خواهد ساخت.

فرشید شکری

۲۷ اکتبر ۲۰۰۶